

نفس برآمد و کام بر نمی آید



کامبیز پوروزی

حقوق دان

اعتراض‌های خیابانی در هشت سال گذشته چهارمین بار است که در برخی نقاط کشور شکل می‌گیرد. هر بار با هزینه گرانی که بر نظام سیاسی و مردم تحمیل شد، اعتراض‌ها پایان گرفت و نوبتی بعد دوباره سر باز کرد. بی‌شک نظام سیاسی هیچ تمایلی به وقوع اعتراضات ندارد. مردم نیز قطعاً نمی‌خواهند با قبول انواع خطرات معترضان‌ه به خیابان‌ها بیایند. هر بار با مداخلات سخت‌گیرانه اعتراض‌ها متوقف شده‌اند ولی دولت باید به این سؤال پاسخ دهد که دلایل این اعتراضات چیست؟ با نفس‌های خسته که برآمده و کام نیافته‌اند، چه باید کرد؟ فرضیه دخالت بیگانه در شکل‌گیری اعتراض‌ها نمی‌تواند پاسخ دقیقی به این سؤال باشد. اگر زمینه‌های اعتراض‌ها فراهم نباشد، تحریکات دشمنان ایران اثر نخواهد داشت. باید زمین آماده کشت باشد تا بذر برود. شاید بتوان اعتراض را ترکیدن گلوهای بسته‌ای تعریف کرد که ناکفته‌ها در آنها انباشته شده‌اند. بی‌قدرتان در گرفتاری بحران‌ها راهی نمی‌یابند که از نارضایتی و رنج‌شان بگویند، جز آنکه در خیابان‌ها صدای‌شان را بلند کنند (لا يُحِبُّ الله الجَهْرُ بالشَّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ). نظام سیاسی ایران در دو قوه بسیار مهم قانون‌گذاری و اجرایی، به شکلی آمرانه مبتلا به تک‌گویی است. اگر جامعه بتواند در امور کشور سخن بگوید و مشارکت مؤثر داشته باشد، احتمال کشیدن کار به شعار در خیابان و آشفته‌گی‌های پرخطر بسیار کاهش می‌یابد. گفت‌وگو با مردم این نیست که یک مقام کشوری به دانشگاه یا جلسه‌ای برود، در هیئت دانی کل بنشیند و به چند نفر اجازه بدهد که مثلاً سؤال یا انتقادی مطرح کند و سپس آن مقام اجرایی یا تقنینی پاسخی بدهد و برود. دستگاه اجرایی و تقنینی باید پیذیرد که دانای کل و توانای مطلق نیست که اگر چنین بود، با این‌همه قانون و تشکیلات انواع ناترازی‌ها پیش نمی‌آمد. جامعه باید به شکل سیستماتیک، منظم و مؤثر در نظام سیاسی و اداری کشور مداخله و مشارکت داده شود.

با اتخاذ رفتار قانونی و مدنی از طرف نظام سیاسی، هر برای کاهش نارضایتی‌ها و اعتراض‌های خیابانی هست، اگر اراده‌ای باشد.

مثلاً:

۱- سازمان‌های صنفی متعددی در کشور حضور دارند اما نظام قانون‌گذاری و اجرایی و اداری کشور آنها را به فرمان‌بران دولت تبدیل کرده‌اند. اما این نهادها به‌عنوان سازمان‌های میانجی بین نظام سیاسی و مردم می‌توانند نقشی مؤثر ایفا کنند. اتحادیه‌های صنفی، اتاق اصناف و مجامع امور صنفی، اتاق بازرگانی، سازمان نظام پزشکی، انکون وکلای دادگستری و انجمن‌های صنفی در سطح کشور حضور دارند. این نهادها بیش از مدیران دولتی و نمایندگان‌گی که نیامده علامه دهر می‌شوند، از مسائل مربوط به خود آگاه‌اند. مداخلاتی مانند نظارت بر انتخابات این نهادها شایسته است برچیده نشوند. آزادی عمل به آنها داده شود. برای تدوین مقررات از آنها با حق رای استفاده شود و اختیارات اجرایی به آنها داده شود. حتی در خیلی از امور می‌توان تدوین مقررات را به آنها سپرد تا دولت و مجلس تصمیم نهایی را بگیرد. چه اشکال دارد که اگر دولت می‌خواهد پیرای صنفی، از ناوایان گرفته تا روزنامه‌نگاران، مقرراتی تصویب کند و تدوین آن را به نهاد صنفی مربوطه بسپارد. وقتی نهادهای صنفی در اداره کشور نقشی ندارند، بخش بزرگ جمعیت کشور، که هر یک در هر حال وابسته به یکی از صنوف‌اند، از دولت دور شده و کم می‌شوند.

۲- آزادی رسانه‌ها به رسمیت شناخته شود. فعالیت رسانه‌ها با نقض قانون اساسی و قانون مطبوعات به محدودیت‌های فراوان روبه‌رو است. مرجعیت رسانه‌ای از داخل به خارج از کشور منتقل شده است. مرجعیت رسانه‌ای ملی به اندازه توان نظامی برای امنیت کشور ضرورت حیاتی دارد. در کشور درکی از این واقعیت نیست و مدام بر محدودیت بیشتر فضای رسانه‌ای ملی برنامه می‌ریزند. صداوسیما فقط صدا و سیمای یک جریان سیاسی و فکری و فرهنگی خاص را منتشر می‌کند. جریان‌های دیگر جایی در صدا و سیما ندارند. با رسانه‌های آزاد و ایمن و صدا و سیمای واقعا ملی گفت‌وگوی مدنی شکل می‌گیرد و حرف‌ها در کلوا انباشته نمی‌شوند. ۳- قانون اساسی آزادی جمععات با همان حق اعتراض و مراقبت دولت از امنیت آنها را تکلیف نظام سیاسی دانسته است (بند هفتم اصل سوم و اصل بیست‌وهفتم). اما هیچ‌گاه به احزاب و گروه‌ها مجوز تجمع داده نشده است.

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ ۱۷ رجب ۱۴۴۷
۷ ژانویه ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۹۹
استثنا ۱۰ هزار تومان
۱۲ صفحه + ۱۳۲ صفحه ویژه‌نامه

شرق

«شرق» از تکرار سیاست‌های نادرست اقتصادی و آسیب راه‌حل‌های کوتاه‌مدت گزارش می‌دهد

خطای متوالی

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۴ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانیدعکس: اسدوهاب بزازنده فارس

یادداشت

قمار یکسان‌سازی نرخ ارز در شرایط التهابی



محمد زایوسفی‌شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

مهمی در زمینه منشأهای قاچاق سوخت تشکیل داده‌ام که فریاد برخی را بلند خواهد کرد، اما اعتنا نخواهیم کرد. حتی رئیس‌جمهور اشاره می‌کند که تصمیمات سران سه قوه گاه توسط گروه‌هایی غیررسمی متوقف می‌شود. این شواهد نشان می‌دهد که نهادهای غیررسمی در ایران توانمندتر از نهادهای رسمی و قانونی عمل می‌کنند. در چنین شرایطی طبیعی است که بازار ارز به محل نزاع ذی‌نفعان تبدیل شود. واردکنندگان با دریافت ارز ترجیحی، بدون نظارت کافی، رانت‌های بزرگی کسب کرده و کالاها را با قیمت بالا عرضه می‌کنند. آنان به‌شدت از ارز ترجیحی دفاع می‌کنند؛ زیرا این رانت بخشی از سازوکار حفظ ثبات سیاسی و مدیریت ائتلاف‌های قدرت است. در مقابل، صادرکنندگان عمده شامل دولت، فولادی‌ها، پتروشیمی‌ها و معدنی‌ها، هرچند از منابع ملی بهره‌مندند، خواهان عرضه ارز در نرخ‌های بازاری هستند

یادداشت

وقتی تورم، تاب‌آوری را به چالش می‌کشد



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

در این «اقتصاد ناگزیر صبر»، سازگاری جامعه نه از سر رضایت یا توافق، بلکه واکنشی مکانیکی برای بقا در برابر فشارهای ساختاری است. این زیست‌تعلیقی که نه در بحران کامل فرو رفته و نه به ثباتی مطلق رسیده، نشانگر وضعیتی پیچیده است که علاوه بر دگرگونی در الگوی مصرف و توان اقتصادی، بر تاروپود روابط انسانی، سطح اعتماد عمومی و تصور جمعی از آینده اثر گذاشته است. در چنین اتمسفری، جامعه از سر ناچاری با فشارهای مداوم هم‌ساز می‌شود. اما این سازگاری تدریجی، به بهای فرسایش سرمایه اجتماعی و استحاله «بحران» به یک وضعیت عادی و روزمره منجر شده است. ازاین‌رو چنانچه تقلیل این بن‌بست به یک عارضه صرفاً اقتصادی تداعی می‌یابد، راهکارهای خطی پولی و مالی نیز همچنان عقیم خواهند ماند؛ چون وقتی فشار معیشت از مرزهای مادی عبور کرده و به لایه‌های رسوبی روانی و بنیادهای اجتماعی نفوذ می‌کند، درمان نیز ناگزیر باید خصلتی چندبعدی یابد. عبور از این وضعیت تعلیقی، مستلزم پیوندی ارگانیک میان اصلاحات ساختاری، بازسازی اجتماعی و گشایش فضایی برای یک گفت‌گوی ملی واقعی است. در این میان، «بازسازی اجتماعی» نه یک انتخاب، بلکه نخستین گام گریزناپذیر برای ترمیم اعتماد عمومی است؛ گامی بنیادین که در آن، «تجربه روزمره مردم» و «فهم زیسته توده‌ها»، مبنای اصلی سیاست‌گذاری و بازتعریف پیوند میان حاکمیت و جامعه قرار می‌گیرد.

اقتصاد صبر: روندی فراتر از انتظار

سال‌هاست واژه «صبر» در ادبیات سیاسی ما فضیلت شمرده می‌شود، اما وقتی نااطمینانی اقتصادی به یک

هنرمند پیشکسوت و بازیگر فیلم گوزن‌ها در گذشت

سعید پیردوست

فردا تشییع می‌شود

۱۲

برگزیده‌ها

تلاش جدید قطر برای میانجیگری میان ایران و آمریکا در شرایط بحرانی؛

مذاکره؟ شاید وقتی دیگر

۳

گزارش «شرق» از ماجرای بازداشت دانش‌آموزان در روزهای اخیر و تأثیرات روانی و اجتماعی آن بر این گروه سنی

سیاسی شدن کودکی

۸

وضعیت شکننده دولت موقت و نزول‌لا

رودریگز در منگنه

کاخ سفید و ارتش

۵



خلیج فارس، میزبان

المپیک زمستانی پتروشیمی

ویژه‌نامه پتروشیمی را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

یادداشت

اقتصاد مهم بود...



علی عسکری

۱۱ سال پیش، فیلم ارزشمند، مهم، شریف و مستولانه «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» به کارگردانی هنرمندانه وحید جلیلوند و نویسندگی درخشان علی زنگار، حسین مهکام و خود او، روایتی تأمل‌برانگیز از احوالات جامعه این سال‌های ایران دارد. چاپ یک آگهی غیرمتعارف در روزنامه، توسط شخصی برای پرداخت مبلغ ۳۰ میلیون تومان به صورت بلاعوض به فردی محتاج، دستمایه پرداختن به قصه زندگی آدم‌هایی می‌شود که هرکدام تکه‌ای از پیکره اجتماع را ساخته و پرداخته‌اند. اتفاقات و تصمیمات هرکدام‌شان بر زندگی دیگری تأثیر می‌گذارد بدون آنکه از این تأثیر غیرقابل انکار مطلع باشند. افراد بی‌شماری از طبقات مختلف با روحیات وقصه‌های متفاوت در روز و ساعت تعیین‌شده در محل حاضر می‌شوند که همگی در یک مسئله، مشترک و شبیه یکدیگرند و آن نیازداشتن به پول است و مشکل مالی؛ همان شباهت بزرگی که در گذر زمان با هزاران دلیل یا توجیه داخلی و خارجی دست به گریبان‌مان شد و نفس را در گلوی غالب مردمان ایران به شماره انداخت و طاقت کم‌نظیرشان را طاق کرد. بررسی این موضوع که در طول فقط ۱۱ سال مبلغ مندرج در آن آگهی تقریباً ۴۶ برابرکم‌ارزش‌تر شده است و هرکدام از کسانی که آن آگهی بهانه حضورشان را فراهم کرده بود، امروز لاقال ۴۶ برابر کم‌توان‌تر و نیازمندتر شده‌اند، در مجالی دیگر قابل شگافتن است به‌مانند که مؤثر نمودن ضرایب ناشی از تورم و به‌کارگیری فرمول‌های دقیق علم اقتصاد، کاهش قدرت مالی جامعه را به‌طور دقیق و براساس منطق ریاضی با اعدادی بسیار بزرگ‌تر توصیف می‌کند- اما آنچه در نگاه دوباره به روزگار گذشته و خوش‌تر سینیمای ایران که هم مستقل‌تر بود و هم اندیشمندتر، ما را به مرور «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» وامی‌دارد، بی‌توجهی یا کم‌توجهی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کلان به نیروی بی‌مانند اقتصاد است.

۴ صفحه ادامه‌در صفحه ۴
--